

برلیناله: مستند "دلبند"، پاسداری از میراثی رو به زوال

مریم میرزا

فیلم مستند "دلبند" ساخته یاسر طالبی از ایران در یکی از بخش‌های جانبی برلیناله ۲۰۱۹ نمایش داده شد. این فیلم درباره زندگی زنی ۸۳ ساله است که در شمال ایران به کار گاوبانی مشغول است.



مستند "دلبند" که در یکی از بخش‌های جانبی برلیناله ۲۰۱۹ اکران شد، قصه زنی ۸۳ ساله در مازندران ایران را روایت می‌کند که حرفه‌اش چوپانی است و هر سال تابستان گاوهایش را که تعداد آن‌ها ۴۰ راس است برای چرا به مراتع بلندی‌های البرز می‌برد.

فیروزه برای این بیبلاق و قشلاق کردن هر بار مجبور است کیلومترها با گاوهایش راه برود اما این همان چیزی است که خودش می‌خواهد و در برابر هر پیشنهادی برای "بازنشستگی" و در روستا ماندن مقاومت می‌کند. زن ۸۳ ساله‌ای که نه تنها رسیدگی به گاوهایش را معادل "مسجد رفتن" می‌داند، که کل زندگی‌اش را همدمی با گاوها می‌بیند.

یاسر طالبی، کارگردان فیلم، در گفت‌وگو با دویچه وله فارسی می‌گوید که اسم فیلم "دلبند" هم از همین جا آمده است، از نقشی که گاوها برای فیروزه دارند که دلبند او هستند. اگرچه شخصیت اصلی فیلم تمایل داشته اسم فیلم "تینار مار" یعنی "مادر تنها" باشد، چون یازده فرزند این زن که گرفتار زندگی شهری هستند کمتر وقتی برای سرزدن به مادر خود را دارند.

"دلیند" در چهار فصل روایت می‌شود، با صحنه‌هایی چشم‌نواز از طبیعت شمال ایران در بهار، تابستان، برگریز پاییز و انبوه برف زمستان. با این‌همه کارگردان فیلم می‌گوید که فیلم در دو سال فیلمبرداری شده است. این فیلم نمایشی است از سختکوشی زاهدانه فیروزه و سکوتی که در زندگی‌اش در جریان دارد.

از آخرین بازمانده‌های "گالش‌های" سنتی ایران

اما قصه دلیند که روایت زنی تنها در شمال ایران است و حالا به بخش "فرهنگ غذا" برلیناله راه یافته است، چطور شکل گرفته است؟ یاسر طالبی می‌گوید: «من در ساری متولد شدم و از کودکی مشتاق بودم تا تعطیلات تابستان برسد تا به بیلاق اجدادی برویم و با آن آدم‌ها زندگی کنیم. خیلی هیجان‌انگیز بود و فکر می‌کنم یکی از بزرگترین اتفاقات زندگی‌ام بود و از وقتی خودم را شناختم در حسرت بازسازی آن لحظات بودم. همیشه می‌خواستم درباره مادر بزرگ خودم فیلمی بسازم اما مهیا نشد و او از دنیا رفت. وقتی فیروزه از طریق یکی از دوستان به من معرفی شد فکر کردم چه خوب که یکی از آن مادر بزرگ‌ها باقی مانده است. آن زمان آدم‌هایی مثل فیروزه خیلی آن‌جا زیاد بودند مثل الان نبود».



یاسر طالبی، کارگردان مستند "دلیند"

کارگردان فیروزه را "یکی از آخرین بازمانده گالش‌های سنتی ایران" معرفی می‌کند. گالش در مازنی به چوپان گاو (گاو بان) می‌گویند. طالبی از طرح دولت ایران برای خروج دام از جنگل‌ها صحبت می‌کند و می‌گوید که بر این اساس "همه دامداری که به شیوه سنتی ارتزاق می‌کردند مجبور شدند جنگل‌ها را ترک کنند." او البته انتقاد می‌کند که "نه تنها جنگل‌ها توسعه نیافته‌اند و حفظ نشده‌اند بلکه حدود نیمی از آن‌ها در این چهل سال از بین رفته‌اند".

او از دیدگاه دامداران سنتی به قضیه نگاه می‌کند. "دامداری که به شیوه سنتی روزگار می‌گذرانند اعتقاد دارند که خودشان حافظ جنگل‌ها بوده‌اند و زمانی که با دام‌هایشان آن‌جا زندگی می‌کرده‌اند مانع کار قاچاقچیان چوب می‌شدند".

به گفته او "در زندگی گالش‌ها دغدغه اصلی حفاظت از دام است. اکثر آن‌ها وقتی به شهر مهاجرت می‌کنند دوری گاو‌هایشان را تاب نمی‌آورند. فیروزه هم مرگ و زندگی خودش را در همان مراتع می‌بیند و نمی‌خواهد از کارش دست بکشد".

تلاش برای دستکاری نکردن واقعیت

در فیلم "دلبند" زندگی یک زن روستایی تقریباً بی‌هیچ فراز و فرودی به سادگی جریان دارد. اتفاق خاصی نمی‌افتد و قرار هم نیست بیفتند. برای شخصیت اصلی فیلم البته شاید فروش یک راس گاو و یک راس گوساله اتفاق محسوب شود، اتفاقی که قرار است از طریق آن خرج اجاره عقب‌افتاده دخترش درآید. گالش کهنسال، گاو و گوساله را می‌بوسد و به قیمت سه میلیون تومان (چیزی معادل ۲۰۰ یورو) به خریدار می‌سپاردشان. او آنقدر مشغول زندگی خود است که تماشاگر احساس نمی‌کند که حضور چشم‌هایش مزاحمتی در زندگی فروتنانه فیروزه دارد.

فرقی ندارد که او مشغول چیدن میوه‌های کوهی باشد یا رسیدگی به گاوها یا پختن آش، انگار برای او دوربین وجود ندارد و این یکی از نقاط قوت فیلم است. فیلمی که به گفته کارگردانش قرار نبوده "شخصیتی جعلی" بسازد. او می‌گوید که "از ابتدا به این نتیجه رسیدم که فیلم باید بازنمای واقعی زندگی فیروزه باشد، حتی لنزی که انتخاب کردیم برای فیلمبرداری لنز ۵۰ میلیمتری بود و با فاصله از حریم شخصی او فیلمبرداری را شروع کردیم و هرگز دخل و تصرف نکردیم".



فیروزه، در فیلم "دلبند"

طالبی می‌گوید: «از ابتدا از جسارت فیروزه خیلی خوشم آمد. اصلاً دوربین برایش مهم نبود. شاید اگر ما باشیم سعی کنیم جلوی دوربین همه چی حساب‌شده باشد. ولی برای فیروزه اصلاً دوربین به حساب نمی‌آمد. در واقع ما همراه فیروزه بودیم نه این‌که فیروزه همراه ما باشد».

با این‌همه وقتی فیروزه خودش تصمیم می‌گیرد که رو به دوربین حرف بزند، بیننده را غافلگیر می‌کند. از خودت می‌پرسی پس او در همه مدت متوجه بوده که در حال تماشايش هستيم؟ کارگردان هم می‌گوید که وقتی فیروزه خواست که رو به دوربین حرف بزند غافلگیر شده است. طالبی این موضوع را اینطور توضیح می‌دهد که "فیروزه آنقدر زن مقتدری است که انگار در پایان فیلم به این نتیجه رسید که خودش باید کارگردانی کند و سرانجام قصه را رقم بزند".

نوای آوازهای زنان مازندران

در طول فیلم "دلبند" جا به جا صدای آواز یک زن شنیده می‌شود. کارگردان فیلم ماجرای آواها را اینطور شرح می‌دهد که "با آهنگسازم اکبر رستگار حرف زدم و او گفت که یکی از جنبه‌های بارز موسیقی مازنی آواهای زنان مازندران است و چون فکر می‌کرد آواها در اینجا بیشتر از سازها به فیلم کمک می‌کنند، از دستگاه‌های آوازی استفاده کرد و از مادر خودش، خانم راضیه احمدی پرچینکی، که در سن و سال فیروزه است دعوت کرد تا نواهای فولکوریک مازنی را بخواند".

بنا به گفته طالبی "خانم راضیه زندگی‌اش مشابه فیروزه بوده ولی ۲۰ سالی می‌شود که به شهر مهاجرت کرده است در پل سفید ساکن است." او می‌گوید همین تشابه است که کار را راحت می‌کرده است: "برای همین وقتی به او می‌گویی مقام کتولی را بخوان چون داستان زندگی خودش است صدایش با سوز همراه است".

دلبندها پیش از این در خارج از ایران در هلند، اکران داشته است و قرار است در آمریکا و روسیه نیز نمایش داده شود. "طالبی ۳۶ ساله است و ساخت فیلم‌هایی نظیر "روپای آهنی"، "فرزندان"، "سد توقف" و "کسی به فکر جنگل‌ها نیست" را در کارنامه دارد. الهه نوبخت، تهیه‌کننده و رضا شیروانی، تدوین‌گر فیلم از جمله عوامل مستند "دلبندها" هستند.

+++++

برچیده تبرستان از دویچه وله، دوشنبه ۱۱-۲-۲۰۱۹ / ۲۲-۱۱-۱۳۹۷

<https://p.dw.com/p/3D5CP>